

جوزف کنراد

از چشم غربی
Under Western Eyes

ترجمه

احمد میرعلائی

تهران - ۱۳۸۵

پیش از هر چیز می‌خواهم به فقدان آن استعداد‌های عالی تخیل و بیان اعتراف کنم که اگر می‌بود این قلم را توان داد تا برای خواننده شخصیت مردی را بیافرینم که خود را چنانکه رسم روسیه است، سیریل^۱ پسر ایزیدور^۲ - کیریلو سیدوروویچ - رازوموف^۳ می‌خواند.

اگر زمانی به هر شکل زنده‌ای از این استعدادها برخوردار بوده‌ام مدتهاست که زیر فشار انبوهی از کلمات له شده و از میان رفته‌اند. کلمات، چنانکه مشهور است، دشمنان بزرگ واقعیت‌اند. من، سال‌های بسیار، معلم زبان بوده‌ام. این حرفه‌ای است که در درازمدت هر بهره‌ای از تخیل، مشاهده و بینش را که آدمی معمولی شاید به ارث برده باشد، سر به نیست می‌کند. معلم زبان به جایی می‌رسد که در نظرش جهان نیست مگر مکانی برای کلمات بیشمار و انسان نیست مگر جانوری سخنگو که شرفی بر طوطی ندارد.

1. Cyril

2. Isidor

3. Kirylo Sidorovitch Razumov

با این وضع، نمی‌توانسته‌ام آقای رازوموف را مشاهده کرده یا واقعیت وجود او را حدس زده باشم، چه رسد به آنکه او را در تخیل خود ساخته باشم. حتی اختراع واقعیات برهنه زندگی او از قدرت من به کلی بیرون بوده است. اما فکر می‌کنم بدون این استشهاد هم خوانندگان این صفحات بتوانند در داستان نشانه‌هایی از شواهد مستند بیابند. و این گمان که کاملاً صحیح است. داستان بر سندی مبتنی است؛ آنچه بر آن افزوده‌ام دانش من از زبان روسی است، که برای آنچه بدان دست یازیده‌ام کفایت می‌کند. سند، البته، چیزی است به هیئت یک روزنامه، یک دفتر خاطرات، با این همه دقیقاً چنین قالبی ندارد. فی‌المثل، بیشتر آن روز به روز نوشته نشده است، هر چند هر آنچه وارد دفتر شده تاریخ دارد. برخی از این مطالب چند ماهی را در بر می‌گیرد و ده‌ها صفحه ادامه می‌یابد. همه بخش مقدماتی در قالبی روایتی به صورت رجعت به گذشته است و به واقعه‌ای مربوط می‌شود که قریب یک سال پیش رخ داد.

ناگفته نگذرم که مدتی دراز در ژنو زندگی کرده‌ام. تمامی یک محله این شهر، به اعتبار بسیاری روسیانی که در آن سکونت دارند، لاپتیت روسی^۱ - روسیه کوچک - خوانده می‌شود. در آن زمان با روسیه کوچک ارتباط بالنسبه گسترده‌ای داشتم. هر چند باید اذعان کنم که روحیه روسی را به هیچ وجه نمی‌توانم درک کنم. برای طلبه دستور زبان‌های متعدد بی‌منطق بودن گرایش‌ها، دلبخواهی بودن نتیجه‌گیری‌ها و کثرت استثناءها نباید هیچ مشکلی در بر داشته باشد. پس حتماً باید چیز دیگری در راه باشد، نوعی رگه خاص انسانی - یکی از آن تفاوت‌های ظریف که ورای بینش معلمان معمولی قرار دارد. آنچه حتماً برای یک معلم زبان همواره

1. La Petite Russie